

## ساواک و سانسور نظام مند مطبوعات در عصر پهلوی

۲۷ مهر ۱۳۹۶ ساعت ۱۱:۵۷

دوران نخست وزیری امیرعباس هویدا (۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶) سخت ترین برهه سانسور و کنترل سازمان یافته مطبوعات و روزنامه ها را تجربه نمود و ارباب مطبوعات و نویسندگان جرأید اساساً در چهارچوب تعیین شده از سوی ساواک و مجموعه حاکمیت قلم فرسایی کرده و نشریات خود را چاپ و منتشر می کردند. بدین سان مطبوعات همواره سایه سنگین ساواک را بر روی فعالیتهای خود احساس می کردند....

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

مقدمه:

تا قبل از تاسیس ساواک در سال ۱۳۳۵ دستگاه اطلاعات شهربانی و فرمانداری نظامی بیشترین نقش را در کنترل و سانسور مطبوعات داشتند. ساواک از همان آغاز فعالیت وظیفه درجه اولی در کنترل و نظارت بر مطبوعات و روزنامه های کشور بر عهده گرفت. هرچند وقتی ساواک فعالیتش را آغاز نمود؛ مدتها از سرکوب مطبوعات مستقل سپری می شد و دیگر روزنامه ها و مطبوعات قابل اعتنایی در کشور منتشر نمی شد و نیز بسیاری از روزنامه نگاران مخالف و اربابان جرأید از عرصه فعالیت مطبوعاتی منزوی شده و یا به دلایلی رفتار دلخواه حکومت را پیشه کرده بودند؛ اما این سازمان جدید بیش از پیش در نظارت و جلوگیری از شکل گیری مطبوعات مستقل کوشید و اعطای هرگونه مجوزی برای انتشار روزنامه و مطبوعات جدید فقط به صلاحدید و تایید این سازمان منحصر شد. ۱. علاوه براین تعیین صلاحیت سیاسی اجتماعی و اخلاقی و فردی صاحبان سردبیران و نیز نویسندگان و هیئت تحریریه نشریات نیز صرفاً به ساواک سپرده شد. بدین ترتیب از آن پس فقط کسانی می توانستند امتیاز نشریه ای را کسب کنند و یا در مطبوعات آن روزگار به فعالیت بپردازند که پیشاپیش ساواک نظر مساعد خود را درباره آنان اعلام کرده بود. ۲.

ماموریت سانسور مطبوعاتی در ساختار و سازمان ساواک

در دوره ریاست تیمور بختیار بر ساواک (۱۳۳۵-۱۳۴۰) سانسور و کنترل مطبوعات با شدت و حدت هرچه تمام تر ادامه یافت.

بختیار که پیش از آن در راس فرمانداری نظامی تهران تجارب بسیاری در سانسور و نظارت بر نشریات اندوخته بود، گروه سانسورچیان خود در فرمانداری نظامی تهران را به سازمان جدید التاسیس ساواک منتقل کرد و با گسترش دامنه فعالیت آن رعب و وحشتی بسیار در میان مطبوعات و ارباب جرید ایجاد نمود. بدین ترتیب طی چهارساله پایانی دهه ۱۳۳۰ ساواک بر مطبوعات سراسر کشور نظارتی پرحاشیه بدست آورد و سانسور مطبوعات روندی فراگیر پیدا کرد. درواقع نام تیمور بختیار لرزه بر اندام هر صاحب تفکر، صاحب قلم و روزنامه نگار

می انداخت و در موارد متعدد بختیار شخصاً صاحبان نشریات را به دفتر کار خود احضار می کرد و آنان را بشدت تهدید می نمود. ۳

در اواخر سال ۱۳۳۹ مطبوعات جانی تازه گرفتند و سانسور مطبوعات تا اندازه ای فروکش نمود و این روند تا دوران نخست وزیری علی امینی در سال ۱۳۴۰ نیز با نوساناتی تداوم یافت. ۴ در طی سالهای نخست دهه ۱۳۴۰ که مقارن با ریاست سرلشگر حسن پاکروان بر ساواک (۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳) بود؛ در نتیجه گسترش ناآرامی های سیاسی و مخالفت گسترده با اصلاحات موسوم به «انقلاب سفید» که اساساً از سوی علماء و روحانیون تحت رهبری امام خمینی هدایت می شد، مرحله نوینی از برخورد ساواک با مجموعه حاکمیت با مطبوعات و رسانه ها آغاز شد تا جایی که طی دوران نخست وزیری اسدالله علم (۱۳۴۱-۱۳۴۲) نزدیک به ۸۰ نشریه ادواری و روزنامه به بهانه های مختلف تعطیل شدند و از تداوم انتشار آنان جلوگیری به عمل آمد و نشریه هایی که اجازه انتشار یافتند تحت سانسور و نظارت شدید ساواک قرار گرفتند و در تعیین مطالب و محتوی آنها ساواک عملکرد قاطع و درجه اولی داشت. ۵

نهضت علماء و روحانیون برضد رژیم پهلوی طی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ تاثیر قاطعی در گسترش روزافزون سانسور و توقیف مطبوعات و روزنامه ها داشت و نشریات جهت انعکاس رویدادهای سیاسی به دلخواه حکومت سخت تحت فشار ساواک قرار گرفتند. با آغاز ریاست نصیری بر ساواک (۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷) سانسور و نظارت بر مطبوعات و روزنامه ها روندی سراسر گسترش یابنده پیدا کرد و طی سالهای دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ مطبوعات و روزنامه های عاری از هر گونه محتوای قابل اعتنایی شدند و در همان حال روزنامه نگاران و ارباب مطبوعات تحت مراقبتهای دائمی ساواک قرار گرفتند. ۶ بدین ترتیب دوران نخست وزیری امیرعباس هویدا (۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶) سخت ترین برهه سانسور و کنترل سازمان یافته مطبوعات و روزنامه ها را تجربه نمود و ارباب مطبوعات و نویسندگان جرید اساساً در چهارچوب تعیین شده از سوی ساواک و مجموعه حاکمیت قلم فرسایی کرده و نشریات خود را چاپ و منتشر می کردند. بدین سان مطبوعات همواره سایه سنگین ساواک را بر روی فعالیت های خود احساس می کردند. آنچه در نشریات آن روزگار انعکاس می یافت در درجه اول ارائه تصویری (البته غیرواقعی) تحسین آمیز و ستایشگرایانه از شخص شاه و همچنین دربار رژیم پهلوی بود و چنین القاء می شد که گویا کشور تحت هدایتهای داهیان شاه به سرعت در مسیر توسعه و تعالی قرار گرفته و در همان حال مخالفین حکومت از اقشار و گروههای مختلف سیاسی و مذهبی اندیشه ای جزء جلوگیری از این حرکت سراسر توسعه یابنده در سر ندارند و بنابراین محکوم به شکست و زوال هستند. به عبارت دیگر مطبوعات عمدتاً مسائل و مواردی را منعکس می کردند که خوشایند ساواک، دربار شاه و مجموعه حاکمیت بود. ۷ با آغاز دهه ۱۳۵۰ و رشد شتابان قیمت افزایش قیمت نفت و متعاقب آن استبدادی شدن ساخت قدرت سیاسی حکومت پهلوی، سانسور مطبوعات و نظارت بر روند نشر روزنامه ها از شدت و حدت بیشتری برخوردار شد و در این میان ساواک با همکاری نزدیک وزارت اطلاعات و

جهانگردی در کنترل ارباب مطبوعات و روزنامه نگاران و هیئت تحریریه جراید از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. در آن برهه حتی نشریاتی که وفاداری بدون قید و شرطی به حکومت داشتند نیز آنی از اعمال فشار و آزاررسانی های ساواک و سانسورچیان مطبوعات در امان نبودند.<sup>۸</sup>

مهمترین رویداد عرصه روزنامه نگاری و مطبوعات در سال ۱۳۵۳ تعطیلی ۶۳ روزنامه، مجله و نشریه ادواری بود که دلیل آن هیچگاه به طور واضح از سوی حکومت اعلام نشد. علاوه بر نشریات و روزنامه های معمول، نشریات و روزنامه های هرچند اندک فکاهی و طنز نیز هیچگاه از تیغ سانسور و نظارت ساواک و حکومت در امان نماندند و موارد متعددی پیش می آمد که نشریات فکاهی به خاطر انتشار مطالب طنز در انتقاد از برخی نارسایی های اقتصادی و اجتماعی از سوی ساواک توقیف می شدند.<sup>۹</sup> از جمله مشهورترین و درواقع باسابقه ترین سانسورچیان و ناظران ساواک در مطبوعات محرمعلی زینعلی معروف به محرمعلی خان بود که سانسور مطبوعات را از دوران سلطنت رضاشاه و زیر نظر سانسورچیان اصلی کتاب و روزنامه آن روزگار نظیر علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی آغاز کرده بود. محرمعلی خان کارمند دوتایی شهرداری در تمام سالهای دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ به این شغل شریف ادامه داد و پس از تاسیس ساواک همکاری خود را با این سازمان نوپا را تداوم بخشید. او که فردی بی سواد و درواقع عامی بود به نوعی واسطه ساواک با اربابان جراید و روشنفکران و اصحاب مطبوعات بود و در موارد متعدد پیشاپیش مسئولان نشریات مختلف را از قصد ساواک برای توقیف آنها آگاه می کرد و هشدار می داد و در همان حال گاه با دریافت مبالغی رشوه و نظایر آن از برخورد با مطبوعات به اصطلاح متخلف اجتناب می ورزید. هرچند در سانسور و نظارت فائقه ساواک بر مطبوعات و روزنامه ها، محرمعلی خان وزنه قابل اعتنایی نبود؛ باین حال از تداوم همکاری او با آن سازمان جلوگیری به عمل نیامد و او تا واپسین ماههای عمر در اواسط بهمن ۱۳۵۴ به عنوان سانسورچی کهنه کار ساواک در میان اهالی مطبوعات اسم و رسمی داشت.<sup>۱۰</sup>

در چنین موقعیتی بود که مطبوعات تحت کنترل ساواک صرفاً به انعکاس اخبار و اطلاعات یکسویه ارائه شده از سوی حکومت می پرداختند و تبلیغات گسترده و درعین حال آزار دهنده و فاقد اعتبار را به سود حکومت تحت پوشش قرار می دادند. لذا تقریباً از اواسط دهه ۱۳۴۰ به بعد دیگر کمتر کسی به مطالعه روزنامه ها و مطبوعات رغبت داشت و بسیاری از مطبوعات آن روز ایران به سخنگوی رژیم پهلوی تبدیل شده بودند که جزء برآوردن بلاشرط خواسته های حکومت وظیفه دیگری نداشتند و به تبع آن طبیعی بود که این نشریات اساساً به کمکهای مالی حکومت و ساواک نیز متکی بودند.

پی نوشتها:

۱. مظفر شاهی، سانسور مطبوعات در عصر پهلوی دوم، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۳-۶۲

۲. مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک (کتاب دوم)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹، صص ۷-۶

۳. علی بهزادی، شبه خاطرات، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۷۷، صص ۱۸۶-۱۸۵
۴. فرید قاسمی‌صد خاطره از صد رویداد، تهران، اصالت‌تنشیر، ۱۳۷۷، ص ۳۸
۵. فرید قاسمی، مطبوعات ایران در قرن بیستم، تهران، نشر قصه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵
۶. محمدعلی سفری، قلم و سیاست‌تهران، نشر نامک، ۱۳۷۷، ص ۵۵۴
۷. عبدالرحیم ذاکر حسین، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، نشر علم، ۱۳۷۷، جلد چهارم، صص ۳۱۹-۳۱۵
۸. شاهدی، پیشین، ص ۶۶
۹. همان، ص ۶۶
۱۰. فرید قاسمی، صد خاطره از صد رویداد، پیشین، ص ۹-۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۳۶۸/ک/ساواک-سانسور-نظام-مطبوعات-مند-نظام-سانسور>